

۴	پایه:	اصول ۱ ب ۲	موضوع:
۱۰:۳۰	ساعت:	۹۶/۰۵/۱۹	تاریخ:

نام کتاب: الموجز، از «المقصد الخامس» تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

١. اختلفت كلمة الأصوليين في أن المطلق بعد التقييد مجاز أو لا؟ و الحق .... **ب ١٢٤**
- أ. كونه مجازاً سواء كان المقيّد متّصلاً أو منفصلاً ☐
- ب. أنّه حقيقة سواء كان المقيّد متّصلاً أو منفصلاً ☒
- ج. أنّه يوجب المجازيّة إن كان المطلق موضوعاً للشائع ☐
- د. أنّه يوجب المجازيّة إن كان المطلق موضوعاً لنفس الماهيّة
٢. مرجعيت «عرف» در زمينه «استكشاف حكم شرعى» ..... و در زمينه «تبیین مفاهيم» ..... است. **ب ١٥٠-٢**
- أ. باطل - صحيح ☐
- ب. صحيح - نیز صحيح ☒
- ج. صحيح - باطل ☐
- د. باطل - نیز باطل ☐
٣. الحكم بعدم الضمان استناداً إلى حديث الرفع فيما إذا أتلّف مال الغير عن جهل .... الحكم ببطان البيع استناداً إليه فيما إذا أكره المحتكر في عام المجاعة على البيع.
- ج ١٨٣**
- أ. صحيح بخلاف ☐
- ب. صحيح نظير ☐
- ج. باطل نظير ☒
- د. باطل بخلاف ☐
٤. المشهور هو التخيير فيما إذا تردّد الواجب بغيره لـ .... **أ ٢٠٢**
- أ. تعارض المتكافئين ☒
- ب. اشتباه الموضوع ☐
- ج. فقدان النصّ ☐
- د. إجمال النصّ ☐

**تشریحی**

\* القطع حجة عقلية و غني عن جعل الحجية له. ١٣٥

۱. أ. مقصود از «حجت عقلی» چیست؟ ب. چرا «قطع» نیازی به جعل حجیت ندارد؟
- أ. ما يحتجّ به المولى على العبد و بالعكس (و بعبارة أخرى ما يكون قطعاً للعذر إذا أصاب و معذوراً إذا أخطأ) ب. چون آن دلیلی که می‌خواهد قطع را حجت کند یا قطعی است یا ظنی؛ اگر قطعی باشد، نقل کلام به آن می‌کنیم و از دلیل حجیت آن می‌پرسیم و به جهت بطلان دور و تسلسل به ناچار باید به حجیت ذاتی قطع تن دهیم. و اگر دلیل، حجیت ظن باشد لازم می‌آید قطع، أسوأ حالاً از ظنّ باشد؛ چون مرتبه قویه‌ای ادراک که باید پشتیبان ظن باشد در حجیت نیازمند مرتبه ضعیفه ادراک شده است.
۲. أ. برای «الامثال الإجمالیّ فی التّعبدیّات فیما إذا لم يستلزم التکرار» مثال بزنید. ب. نظر مؤلف در مورد کفایت یا عدم کفایت این امثال را با دلیل بنویسید. ۱۴۴
- أ. كما إذا تردّد الواجب بین غسل الجنابة و غسل مسّ الميّت فيغتسل امثالاً للأمر الواقعيّ احتياطاً مع التمكن من تحصيل العلم التفصيلیّ أو الظنّ التفصيلیّ.
- ب. نظر: امثال اجمالی کفایت می‌کند. دلیل: چون صحت در عبادات مرهون اتیان فعل به جهت امر خداوند است و در باب امثال اجمالی هم فرض این است که ممثّل، اتیان فعل کرده است به هدف امری که واقعاً از ناحیه خداوند صادر شده است. بنابراین ملاک صحت بر این فرض قابل انطباق است.

۳. با توجه به استدلال به آیه نبأ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِمِثَالِهِ فَتُضْحَكُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾ به موارد زیر پاسخ دهید.
- موضوع آیه: نبأ الفاسق      شرط: المجيء      ۱۶۳
- جزاء: التبیین و الثبیت      مفهوم شرط: نبأ الفاسق - إن لم یجیء به - فلا یجب التبیین عنه.

چون آنچه ناقل اجماع به صورت حسی نقل می‌کند، اقوال علما حجیت ندارد؛ زیرا نه مصداق حکم شرعی است و نه مصداق موضوع دارای اثر شرعی و از طرف دیگر آنچه حجت است، یعنی رأی معصوم، ناقل اجماع آن را به صورت حدسی نقل می‌کند نه به صورت حسی؛ لذا از هر جهت راه حجت بودن چنین اجماعی بسته است.

۵. دلیل عقلی بر برائت در شبهه موضوعیه تحریمیه را تقریر کنید.

در ما نحن فيه یک کبرای کلی داریم که «الخمر حرام» لکن در باب احتجاج علاوه بر علم به کبر، نیازمند علم به صغرا هم هستیم و فرض این است که در مقام، موضوع مشتبه است و مکلف، علم به صغرا ندارد؛ لذا عقل، احتجاج مولی علیه عبد را به صرف علم کبروی قبیح می‌شمارد.

\* ذهب القدماء إلى حجّة الاستصحاب من باب الظنّ و استدّلوا عليه بأن الحكم الفلانیّ قد كان و لم یظنّ عدمه و کلّ ما كان كذلك فهو مظنون البقاء و یلاحظ عليه بعدم ثبوت الكبرى و بكون الأصل فی الظنون عدم الحجّة إلّا أن یدلّ دلیل قاطع علیها. ۲۰۹

۶. وجه استدلال و اشکالات مذکور را تبیین کنید.

وجه استدلال: فلان حکم سابقاً وجود داشت و به عدم آن ظنّ حاصل نشده است و هر چیزی که سابقاً محقق باشد و ظنّ به عدم آن پیدا نشده باشد مظنون البقاء خواهد بود. بنابراین وجه افاده استصحاب افاده ظنّ است.

اشکال اول: ما کبرای استدلال را قبول نداریم؛ چون استفاده ظنّ از استصحاب، کلیت ندارد و ربّ استصحاب لا یفید الظنّ.

اشکال دوم: اصل اولی در ظنون، عدم حجیت است تا اینکه دلیل قاطع بر حجیت پیدا شود و اعمال این اصل، مانع از حجت دانستن استصحاب از باب ظنّ می‌شود.

\* موضوع البراءة الشرعیة هو «ما لا یعلمون» و المراد من العلم هو الحجّة الشرعیة و الاستصحاب حجّة شرعیة علی بقاء الوجوب و الحرمة فی الأزمنة اللاحقة. ۲۱۸

۷. تقدّم استصحاب بر اصل برائت از باب حکومت است یا ورود؟ چرا؟

از باب ورود؛ چون استصحاب حجت شرعی بر حکم شرعی (وجوب یا حرمت) است و با وجود حجت، علم به حکم پیدا می‌شود و وقتی علم وجود داشت، «عدم العلم» که موضوع برائت است رخت برمی‌بندد و «ورود» به همین گویند که با ظهور دلیل وارد، موضوع دلیل ورود از بین برود.

\* دلیل حجّیة قول الثقة منحصرة فی السیرة العقلائیة عند المحققین و بما أنّ السیرة دلیل لثبوت یؤخذ بالقدر المتیقّن منه و القدر المتیقّن من السیرة فی مورد حجّیة قول الثقة هی صورة عدم التعارض. ۲۲۶

۸. با توجه به عبارت، قاعده اولیه در زمان تعارض چیست؟ دلیل آن را هم بیان کنید.

تساقط؛ چون دلیل حجیت خبر ثقة، فقط سیره عقلایی است و از آنجا که سیره، دلیل لبیّ است و در ادله لبیّه به قدر متیقّن اخذ می‌شود لذا به قدر متیقّن سیره اخذ می‌کنیم و قدر متیقّن از دلیل سیره، حجیت خبر ثقة در صورت عدم تعارض است. بنابراین فرض تعارض، خارج از شمول سیره می‌شود و با نبود دلیل بر حجیت، شک در حجیت خبرین متعارضین می‌کنیم و شک در حجیت، مساوق عدم حجیت است.

✱ إذا كان التعارض بين الدليلين على نحو العموم و الخصوص من وجه نحو ... فالحقّ أنّه تنصرف روايات التخيير عن المقام لأنّ المتبادر من قوله في رواية الحسن بن الجهم: «يجئنا الرجلان - و كلاهما ثقة - بحديثين مختلفين» هو اختلافهما في تمام المدلول لا في بعضه فيكون المرجع في مورد الاجتماع روايات الترجيح. ۲۳۷-۸

۹. أ. برای فرض مذکور مثال بزنید ب. دلیل عدم جریان تخيير در فرض فوق را توضيح دهيد.

أ. كما إذا قال «أكرم العلماء» ثمّ قال «لا تكرم الفسّاق» فيكون الفاسق مجمع العنوانين فيجب إكرامه باعتبار كونه عالماً و يحرم باعتباره كونه فاسقاً.  
ب. چون از روايات تخيير اين طور استفاده می شود كه محل جریان تخيير، فرضی است كه مدلول دو روايت متعارض، تماماً اختلاف داشته باشند نه فی الجمله در حالی كه در ما نحن فيه كه بين دو روايت، عموم و خصوص من وجه وجود دارد اختلاف مدلول دو متعارض به نحو فی الجمله است نه بالجمله؛ لذا در اين فرض، سراغ روايات ترجيح می رويم و در محل اجتماع، روايتی را ترجيح می دهيم كه حائز یکی از مرجحات معتبر باشد.